

## ساختمان فعل

در عبارت زیر به فعل هر جمله توجه کنید :

۱) علی هر روز یک ساعت کتاب می خواند.

۲) علی کتاب‌های زیادی درباره‌ی ادبیات خوانده است.

۳) علی کتاب را از قفسه برمی دارد.

۴) علی هر روز میزان پیشرفتش را به خانواده اطلاع می‌دهد.

۵) اما یک روز نتوانست از کارهایش اطلاعی به خانواده‌اش بدهد...

فعل جمله‌های بالا را از نظر ساختمان می‌توان به سه نوع تقسیم کرد :

۱) فعل‌های می‌خواند، خوانده است، نتوانست و بدهد **ساده‌اند** زیرا بن مضارع

هریک از آن‌ها یک تکواژ است.

۲) فعل «برمی‌دارد» **پیشوندی** است زیرا قبل از بن مضارع «دار» وندِ «بر»، افزوده

شده است.

۳) فعل «اطلاع می‌دهد» **مرکب** است؛ زیرا نه تنها از دو جزء معنادار تشکیل شده است

بلکه قبل از فعل ساده‌ی «می‌دهد» «اطلاع»، که یک جزء غیرصرفی است، قرار گرفته است.

پس فعل از نظر اجزای تشکیل دهنده بر سه نوع است : ساده، پیشوندی و مرکب.

### فعل ساده

فعل ساده آن است که بن مضارع آن یک جزء (تکواژ) باشد؛ مثل :

فعل ساده	آمده بود	رفت	می‌پرسیدم	می‌شنید	نشسته بود	خواندند	خواهیده است
	↓	↓	↓	↓	↓	↓	↓
بن مضارع	آ	رو	پرس	شنو	نشین	خوان	خواب

## فعل پیشوندی

اگر به اول فعل های ساده «وند» افزوده شود، این فعل ها به فعل پیشوندی تبدیل می شوند :

فعل ساده	آورد	غلتید	گشت	آمد
فعل پیشوندی	بر آورد باز	در غلتید فرو	بر گشت باز	باز آمد بر در

## فعل مرکب

اگر پیش از فعل ساده یا پیشوندی یک یا چند تکواژ مستقل بیاید و با آن ترکیب شود کلمه‌ی حاصل، فعل مرکب است مثل فعل جمله‌های زیر :

- ۱) او از خواسته‌هایش چشم پوشید.
  - ۲) من به کارهای او ایمان آوردم.
  - ۳) علی پدرش را خیلی دوست دارد.
  - ۴) همه‌ی بچه‌ها را در این جشن شرکت دادند.
  - ۵) دیروز حادثه‌ی وحشتناکی روی داد.
  - ۶) حسن تعدادی کتاب از دوستش قرض گرفت.
  - ۷) علی کتاب داستان را مطالعه کرد.
- ✱ راه‌های تشخیص فعل مرکب :

۱) فعل در صورتی مرکب است که جزء غیر صرفی، نقش مفعولی یا مسندی یا قیدی یا متممی نداشته باشد. مثلاً فعل‌های جمله‌های زیر مرکب نیستند :

□ علی دوستی دارد.  
مفعول

□ حسن درباره‌ی این موضوع مطالعه می‌کند. (می‌کند در معنای انجام می‌دهد)  
مفعول

□ او درباره‌ی علاقه‌ی مردم به ادبیات تحقیق کرد. (کرد در معنای انجام داد)  
مفعول

□ دیروز محسن هنگام بازی زمین خورد. ← (در اصل به زمین خورد که حرف اضافه‌ی «به» حذف شده است.)  
متمم

□ من او را از این موضوع آگاه کردم. (در اصل: او آگاه شد/ بود/ است/ گشت/  
مسند  
گردید)

□ کودک از پله‌ها بالا می‌آید.  
قید

۲) وقتی که جزء غیر صرفی یکی از نقش‌های مفعولی، مسندی، قیدی و متممی را داشته باشد، در واقع یک گروه اسمی به‌شمار می‌رود که می‌توان پس از آن وابسته‌هایی را اضافه کرد یعنی این اجزا را می‌توان گسترش داد:

□ علی دوستان زیادی دارد.  
مفعول علامت صفت  
جمع

□ حسن درباره‌ی این موضوع مطالعه‌ی ای نکرده است.  
مفعول نکره

□ او درباره‌ی علاقه‌ی مردم به ادبیات تحقیق ها کرد.  
مفعول جمع

□ من او را از این موضوع آگاه‌تر کردم.  
مسند

□ هنگام مد، آب دریا بالاتر می‌آید.  
قید

در حالی که اگر فعل جمله‌های ۱ تا ۷ را بررسی کنید قابل گسترش نیستند: (چشم پوشید، ایمان آوردم، دوست دارد، شرکت دادند، روی داد، قرض گرفت و مطالعه کرد)  
۳) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تعیین ساختمان فعل، زمانی میسر است که در جمله

به کار برده شود. مثل «قرض گرفت» که به تنهایی ساده است زیرا می توان گفت قرض ها گرفت اما در جمله ی ۶ حتماً فعل مرکب است یا مطالعه کرد که در جمله ی ۷ حتماً مرکب است.

**باید توجه داشت که هیچ گاه فعل ساده یا مرکب را خارج از جمله بررسی و مشخص نمی کنیم.**

✱ نوع دیگری از فعل های مرکب، عبارت های کنایی هستند. در این گونه فعل تمامی اجزا روی هم یک مفهوم فعلی واحد دارد.

□ او از خواسته هایش چشم پوشید. (کنایه از صرف نظر کردن)

□ او هیچ وقت دست از پا خطا نمی کند. (دست از پا خطا کردن کنایه از اشتباه کردن)

□ علی از انجام این کار سر باز زد. (سر باز زدن از کاری کنایه از نپذیرفتن است)

در این نوع فعل ها (کنایی) اجزای فعل (چشم، دست، پا، سر و ...) معنای حقیقی خود را از دست داده اند. در این صورت با ملاک های تشخیص فعل مرکب آن ها را می توان فعل مرکب دانست.

## فعل های کمکی (معین)

برای ساختن فعل های ماضی بعید، ماضی التزامی، ماضی نقلی، ماضی مستمر، مضارع مستمر، آینده و همه ی فعل های مجهول، از فعل های خاصی استفاده می شود که آن ها را فعل های کمکی می خوانیم. فعل های مشخص شده ی زیر، کمکی هستند :

رفته بودی، گفته باشد، نشسته است، داشت می رفت، دارد می آید، خواهند آمد، نوشته شد، گفته شده باشد.

✱ فعل های کمکی و وندهای ن، می، به، از نظر ساختمان، در فعل تغییری نمی دهند؛ چون در همه ی فعل های ساده، مرکب و پیشوندی می آیند.

ن: نرفت، نشناخت.

می: می گوید، می رفت.

به: برو، بنشینید.

بنابراین، اگر فعل ساده ای این وندها و فعل های کمکی را بگیرد، باز هم ساده است.

## منفی کردن فعل‌ها

در فارسی امروز، هر فعلی را می‌توان با آوردن تکواژ منفی‌ساز «ن» منفی کرد. تلفظ این تکواژ «نَ» است اما اگر پیش از «می» بیاید، «نِ» تلفظ می‌شود. این تکواژ همیشه پیش از فعل اصلی می‌آید اما در فعل‌های آینده و مجهول پیش از فعل معین قرار می‌گیرد:

نگفتم، نگفته‌ام، نگفته بودم، نگفته باشد، نمی‌گفتند/ نخواهم گفت، گفته نشد.

هنگام پیوستن تکواژ «ن» به فعل، اگر تکواژ «ب» همراه فعل باشد، حذف می‌شود:

برو ← نرو، بیایند ← نیایند، بگوییم ← نگوییم.

زمان‌های مستمر (ملموس) صورت منفی ندارند و برای منفی کردن آن‌ها از معادل‌های غیرمستمر استفاده می‌شود:

بهرام دارد نامه می‌نویسد (مضارع مستمر) ← بهرام نامه نمی‌نویسد (مضارع اخباری)

بهرام داشت نامه می‌نوشت (ماضی مستمر) ← بهرام نامه نمی‌نوشت (ماضی استمراری)

تکواژ «ن» در فعل‌های پیشوندی همیشه پس از پیشوند می‌آید:

خورشید هنوز برنیامده بود. لاک پشت سر از آب درنیامورد. ماهی هنوز لقمه‌ی اول را درست فرو نبرده بود.

تکواژ منفی‌ساز «ن» در فعل‌های مرکب، پیش از جزء صرفی می‌آید:

نگاه نداشت. دوست نداشت. فرود نیامد. سردر نیامورد.

## بن فعل

سال پیش آموختیم که هر فعل دو بن دارد: بن مضارع و بن ماضی

بن مضارع فعل‌های ساده = فعل امر مفرد بدون «ب»: «ب»، «رو»، «بین»، «نشین»

بن مضارع فعل‌های پیشوندی = فعل امر مفرد: «برگرد»، «بازگرد»، «برآ»

بن مضارع فعل‌های مرکب = فعل امر مفرد بدون «ب»: «بیاد بده (= یاد ده)»، «گوش کن»

برای شناخت ساختمان هر فعل، بن مضارع آن فعل را در نظر می‌گیریم.

ساختمان	بن مضارع	فعل	ساختمان	بن مضارع	فعل
پیشوندی	بازگرد	بازگشته بودند	ساده	رو	رفته بود
پیشوندی	برگرد	داشتند برمی گشتند	ساده	گذر	می گذشتند
پیشوندی	برآ	برنمی آمد	ساده	نویس	داریم می نویسیم
پیشوندی	بازآ	بازآمده اند	ساده	گو	گفته شده بود

بن ماضی نیز چنین به دست می آید :

مصدر بدون «ن» پایانی ← دید «ن»، باور کرد «ن»، دوید «ن»، برداشت «ن»، دوست

داشت «ن»

## بیاموزیم

به چند جمله‌ی زیر توجه کنید :

(۱) بیاید سوابق گذشته را فراموش کنیم .

(۲) حَسَن خوبی سعید انضباط اوست .

(۳) آخرین سابقهی فینال را دیدم .

در جمله‌ی اول ، «سوابق» جمع سابقه به معنی «گذشته» است .

پس این جمله در حقیقت این گونه است :

«بیاید گذشته‌های گذشته را فراموش کنیم» ! در این جمله

کاربرد یکی از دو کلمه‌ی «سوابق» و «گذشته» کافی است :

«بیاید گذشته را فراموش کنیم» .

«حَسَن» یعنی نیکویی و خوبی ؛ پس ، در جمله‌ی دوم به کار بردن کلمه‌ی

«خوب» به دنبال حَسَن زاید است .

«فینال» در انگلیسی یعنی پایانی و نهایی ؛ بنابراین ، به کار بردن

کلمه‌ی فینال پس از «آخرین» در جمله‌ی سوم نادرست است .

به کلمه های که در جمله های قبل، زیر آن ها خط کشیده شده است، حشو می گویند. «حشو» یعنی تکرار زیاد.

اکنون به نمونه های دیگر «حشو» توجه کنید و مراقب باشید آن ها را به کار نبرید:

سینگرودش کار، سایر شهرهای دیگر، من بعد از این، مدخل درودی، درخت تاک انگور، اوج قلعه کوه، تخم مرغ کبوتر، در من بیست سالگی، پس بنابراین، سنگ حجر الاسود، پارسال گذشته، سال عام الفیل، سؤال پرسیدن، شب لیلة القدر، بدر کامل ماه، از قبل پیش خرید کردن، تخته سی وایت برد.

## خودآزمایی

۱) در متن زیر نوع فعل ها را از نظر ساختمان بررسی کنید.

کودکی خردسال می خواست بوته ی ذرتی را از زمین برآورد اما نمی توانست و هر چه می کوشید آن بوته برجای خود استوار بود. با کوشش فراوان بوته ی ذرت را از زمین کند و با شادمانی بسیار پدرش را از حاصل کوشش خود آگاه کرد. پدرش گفت: «آری، فراموش مکن تو هم مردی شده ای و نیرویی داری» آن طفل خردسال با غرور در پاسخ پدر گفت: «آری؛ همه ی زمین یک سر بوته را گرفته بود و من سوی دیگرش را تا سرانجام من غالب شدم.» این تصویر ذهنی کودک، بیان شاعرانه ی زیبایی است که حاصل بیداری آن طفل نسبت به گوشه ای از ارتباط های انسان و طبیعت است.



۲) نهاد جمله‌های زیر را مفعول قرار دهید.

مثال: کودک از خواب بیدار شد.

مادر کودک را از خواب بیدار کرد.

جوانان از زیان‌های خانمان‌سوز اعتیاد آگاه هستند.

چراغ دانش همیشه فروزان است.

همه جا روشن است.

غذا زود حاضر شد.

۳) هر یک از ساخت‌های زیر را در جمله‌ای به کار ببرید و ساده و مرکب بودن آن‌ها را در آن

جمله نشان دهید.

رنج برد، زحمت کشید، فراموش کرد، باز شده است، فریاد می‌زند، پیش آمد، جواب داد،

ستم می‌کند.

۴) به جز نمونه‌های «بیاموزیم» این درس، نمونه‌های دیگری از «حشو» را در زبان فارسی

امروز پیدا کنید.

## املا

### «بایدها» و «نبایدها»ی املائی (۲)

#### ب) نشانه‌های خطی

ملاحظات	مثال	بایدها و نبایدها	ردیف
گذاشتن تشدید در کلماتی که تشدید میانی دارند، لازم است.	اره (اره)، نقاس (نقاس)، اهتیت (اهتیت، اهتیت)		
گذاشتن تشدید برای کلماتی که «تشدید پایانی» دارند، لازم است؛ به شرط این که پس از حرف مشدد یک مصوت بیاید.	اوسد ساخت (اوسد ساخت)، سد کرج (سد کرج)، بر حقم، بر حقی، بر حق است، بر حقیتم، بر حقیق، بر حقیق اند (بر حقم، بر حقی، بر حق است، بر حقیتم، بر حقیق، بر حقیق اند)	تشدید	۱
بر روی کلماتی که مشدد نیستند، نباید تشدید گذاشته شود.	تقویت (تقویت)، قضات (قضات)، شفقت (شفقت)، تربیت (تربیت)		
تشدید باید درست روی حرف مشدد قرار گیرد.	سنگی (سنگی)، اتفاق (اتفاق)، عبد المطلب (عبد المطلب)		

ردیف	بایدها و نبایدها	مثال	ملاحظات
۲	تنوین	مثلاً <del>میل</del> ، <del>مثلاً</del> ، معمولاً <del>(معمولاً)</del> ، تدریجاً <del>(تدریجاً)</del>	کلماتی که در فارسی دارای تنوین هستند، نقش قیدی دارند. رعایت این تنوین در املا و دست‌نوشته الزامی است.
		مغسوم علیہ، مضاف الیه، معظمه، بعبارة اخرى	تنوین‌های <u>و</u> کم‌تر به کار می‌روند و تنها در جملات و قالب‌های عربی رایج در فارسی دیده می‌شوند.
۳	مد	گلاب <del>(گلاب)</del> ، پشیمان <del>(پشیمان)</del> ، همایش <del>(همایش)</del> ، گرمابه <del>(گرمابه)</del> ، بسامد <del>(بسامد)</del> ، دلارام <del>(دلارام)</del>	باید این دسته کلمات و کلمه‌های مشابه آن‌ها را شناخت و از گذاشتن نشانه‌ی «مد» بر روی آن‌ها پرهیز کرد.
		درآمد <del>(درآمد)</del> ، دردآور <del>(دردآور)</del> ، خوش‌آواز <del>(خوش‌آواز)</del>	این کلمات و مشابه آن‌ها را نیز باید شناخت و بر کاربرد نشانه‌ی «مد» در آن‌ها تأکید کرد.
		من آدم <del>(من آدم)</del> ، منابع و مآخذ <del>(منابع و مآخذ)</del> ، مال‌اندیش <del>(مال‌اندیش)</del> ، قرآن <del>(قرآن)</del>	قید نکردن نشانه‌ی «مد» ابهاماتی را در نوشته ایجاد می‌کند.
۴	میانجی «ی»	نام‌ی دوستم رسید، نامه دوستم رسید (نامه دوستم رسید)	«ی» میانجی (بزرگ یا کوچک) باید در همه جا رعایت شود. در کتاب‌های درسی «ی» میانجی بزرگ بر شکل کوچک آن (ء) ترجیح داده شده است.
۵	فاصله	هر روز <u>نامه‌ای</u> را می‌خواند هر روز <u>نامه‌ای</u> را می‌خواند <u>باد آورده</u> است / <u>باد آورده</u> است	رعایت نکردن فاصله‌ی مناسب بین حرف‌های یک کلمه یا کلمات یک جمله، در خواندن آن‌ها اشکال ایجاد می‌کند.



پس، اگر جزء دوم یک کلمه‌ی مرکب با مصوّت بلند آغاز شود (نه با همزه‌ی قبل از آن)، نشانه‌ی مد به کار نمی‌رود؛ ضمناً در کلمات مرکب طولانی، نشانه‌ی مد غلبه دارد؛ مانند:

محبت‌آمیز، تعجب‌آور، بخت‌آزمایی و ... .

۴) در نمونه‌هایی مانند: دانای راز، بوی گل و نامه‌ی دوست، حرف «ی = y» به کار رفته است. این حرف صامت که بین دو مصوّت آمده «ی» میانجی بزرگ نامیده شده است. دانای راز = دانای - راز و ... .

«نامه‌ی دوست» به شکل «نامهٔ دوست» نیز رایج بوده و هست. در ترکیب «نامهٔ دوست» به علامت «ء» که روی حرف «ه» قرار گرفته است، «ی» میانجی کوچک می‌گویند و نباید آن را با حرف همزه اشتباه گرفت.

### فَعَالِيَّت

علاوه بر **ی** میانجی چند حرف میانجی دیگر را شناسایی و درباره‌ی آن‌ها گفت‌وگو کنید.

۵) همان‌طور که متصل کردن دو حرف نشانه‌ی اتصال است (مانند حرف ب در کلمه‌ی با)، فاصله‌ی کوتاه بین دو حرف هم‌نشانه‌ی اتصال است. چنان که در این کلمات می‌بینیم: روزنامه، یادداشت، هم‌منزل .

۶) رعایت فاصله‌ی بلند بین دو کلمه‌ی مستقل لازم است؛ بنابراین، کتاب را، جناب‌عالی، بانک ملی صحیح هستند و نباید بنویسیم: کتابرا، جنابعالی، بانکملی. هم‌چنین است در مثال‌های گرمای باد و مبارک باد که جزء دوم آن‌ها فعل است.

\*\*\*

یادآوری: نشانه‌های َ ُ ِ نیز جزء نشانه‌های خطّ فارسی هستند. این نشانه‌ها در زنجیره‌ی خطّ فارسی قرار نگرفته‌اند و به کار بردن آن‌ها رایج نیست و تنها در مواردی که نقش ابهام‌زدایی دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

## فعالیت

از متن درس‌های ۷ تا درس ۱۲ کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی (۲)

املا بنویسید.

### گروه کلمات برای املا شماره‌ی دو

مضرات و منافع - الزام و احتمال - غوک و قورباغه - مصاحب و ملازم - وصل و گسستگی - فضایل اخلاقی - نگهبان و محافظ - جزء صرفی - رابطه‌ی نحوی - سوابق و گذشته‌ها - حشو و زاید - بوته‌ی ذرت - متاع معرفت - دقت و ممارست - اصحاب کهف - ابهام و پیچیدگی - جملات تأثیرگذار - براعت استهلال - حُسن مطلع - جدائیّت و گیرایی - مادرِ حَسَنین - حُسن ختام - کتاب «ن و القلم» - بحر در کوزه - پارادوکس و متناقض نما - بعبارةِ أُخری - معظّمُله - عبدالمطلب - محتاط و مأل اندیش - مراقبت و مراقبه - مأخذ و منابع - ابهام‌زدایی هوشیارانه - ناقص و معیوب - تلخیص و اختصار - جعبه‌های مقوایی - دایرة‌المعارف فارسی - ارجاعات بعدی - آرایش صُوری - تاریخچه‌ی المپیک - صُور خیال.

مقبولیّت و پذیرش - افراط و تفریط - تجارب السلف - سلاست و روانی - مُخلّ فصاحت - مضامین و مفاهیم - خندق طرابلس - گفتار بی‌شائبه - اعمی و بصیر - طبله‌ی عطار - بیت معمور ادب - خواتیم و طیّبات - حظّ زیبایی شناختی - سمفونی‌های بتهوون - الفیّه‌ی ابن‌مالک - کتاب نصاب الصبّیان - استنباط فقهی - شیوه‌ی غیر مرضیه - رذایل اخلاقی - قلع و نابودی - اغتنام فرصت - واثق و مطمئن - مدح و ذم - تفقّد و دل‌جویی - مناعت طبع - بیت الغزل معرفت - مظهر اعتدال - آلام ورنج‌ها - مستحقّ کرامت - مظالم و دادخواهی - ضیاع و عقار - معزول و برکنار - امارت و فرمانروایی -

انعکاس مظلومیت - واقعه‌ی هیجان‌انگیز - الغای بردگی - متواضع و فروتن - رأفت و عطوفت - ضعف و بیچارگان - حدّ نصاب - خشم و غیظ - مضیقه و تنگنا - عفریت و اهریمن - ماه آذار - طعمه‌ی عقاب - فقهه‌ی فشنگ‌ها - رطل‌گران - تجرّد عنقا - بدنامی حیات - تلطف و مهر - سفاقت و نادانی - لحن تعجب آمیز - اشباح و سایه‌ها - جرئت و جسارت - نگاه تضرّع آمیز - نقطه‌ی اتکا - نقاب‌حزن‌انگیز ظلمت - موحش و هراس‌انگیز - بانگ ناقوس - هدیه‌ی تمام عیار - مکث و توقّف - مائده‌های زمینی - عهد عتیق - تعلل و درنگ.

\* \* \*

## خودآزمایی

- ۱) املا‌ی تشدید میانی با تشدید پایانی چه تفاوتی دارد؟ برای هر کدام سه نمونه مثال بزنید.
- ۲) چرا املا‌ی «ی» میانجی بزرگ بر شکل کوچک آن ترجیح دارد؟
- ۳) کاربرد نشانه‌ی مد در خطّ فارسی با همین نشانه در خطّ عربی چه تفاوتی دارد؟